شعلهٔ جاوید

ناشر اندیشه های دموکراتیک نوین

شماره نهم پنجشنبه ۹ جوزا ۱۳۴۷ هـ - ۳۰ می ۶۸

شما باید سیاست را بر سایر امور مقدم بشمارید

سیمای مرتجعین وسازشکاران

درپرتو مبارزات توده ای

متن پیشرو ترین دانش بشری همواره محتوی اینست که‌جهان مادی وانسان دستخوش تحول ودگرسانی است نیروی عمده تحولات وتبدلات جریانات طبیعی را مبارزات درونی وذاتی پدیده ها واشیاء طبیعی‌تشکیل داده اهرم نیرو مندی جهت پیشبرد وتکامل شرایط محیطی وملحقات آن میگردد .

پدیده های اجتماعی نیز که‌با هم مرتبط ودر هم موثر انداز این قانون اساسی تکامل وتحول بر خور دار میباشد که‌سیر حرکت آن بیانگر ماهیت‌مثبت‌یامنفی آن‌میباشدودرپر تو این تطو رات انسانی میتواند شاهد مقصود را بدست آورده از آن جهت تحقق اندیشه ها وآمال خویش استفاده کرده موانع ومشکلا تیراکه در سر راه دارد از میان بردار د.

روی این اصل مسلم است که کشور عزیز مانیز چون پدیده میان سایر پدیده ها کیهان مادی دارای نمود های خاص خودبوده وشرا یط مختلفه تکاملی را پیموده است که مبارزات گونا گون اجتماعی نیزبخشی ازآنرا تشکیل میدهداز جمله‌مبارزات اجتماعی که‌در افغا نستان بو قو ع پیوسته وبرای جوا نان مترقی‌وتوده های مظلوم وستمکش این محیط سزا وار عطف توجه میباشد یکی‌هم مظاهرات کار گری ورو شنفکر ی است که هم اکنون طی چندین روز گذشته اشکال گوناگون آن باماهیت ور هبری خاص همراه باشعار های مختلف ، اذهان وافکار باشند گا ن این سر زمین با ستانی رابه‌خود مشغول کرده، فضای سیاسی کشور را شکلی غیر از گذشته بخشیده است .

مظا هرات رزمند گان مکتب های میانیکی ، تخنیک صنایع، ادا ره عامه ، نرسنگ باعث تجمع وتشکیل دسته های دیگر از شهر یان کا بل شدکه هر کدام خوا هان حمایت وپشتیبانی‌از خواسته ها وآرزو های آنان بودند ، ولی از آنجا یکه چهره حق، همیشه بعداز مبارزه سخت در برابر باطل‌ظاهر گردیده وبادرخشش خویش چشم بینند گان راباز نموده وبا طنین پرهیبت خویش خواب برد گان را تکان داده وسیمای‌خاینان را بر ملا میسازد ، بناء مظا هرات اخیر شهر کابل یکبار دیگر ماسک دشمنان خلق های مظلوم ومحنت زدگان این دیواررا پاره نمود ،جوانان مترقی وخلق شریف افغا نستان که ازمدتی فریب غولان حقه بازد ستگاه های حاکمه گذشته را خورده بودند وبعداز طلیعه آفتاب با صطلاح دمو کراسی‌که دشمن شان آنرامظهر اراده ومحصول مبا رزات دلیرانه ایشان میدانند باردیگر برای چند روزی گذرا در دام شیادی گر فتار آمده بودند سمت اصلی مبارزات آینده رااز نبرد وبرخورد بافر هنگ چرکین وپوشیده قرون وسطایی‌آغاز نمودند .

همانطور یکه خوانند گان جریده شعله جاوید اطلاع دارند بدنبال مظاهرات با شکوه شاگردان مکا تب میخانیکی ،تخنیک ، صنایع ، اداره عامه نر سنگ وسایر حا میا ن جنبش ها ی ر ز م انگیز وخصم افگن به منظور همنوا یی وپشتیبانی از همز نجیران خویش

آنانیکه به‌تنظیم آزادانه مش تکاملی افغا نستان بر اساس مقتضیا ت‌رشد آن علاقه دارند و در راه پایه گذاری یك فرهنگ ملی بار و ر مبا ر زه میکنند از سرد مدا ران فر هنگ ارتجاعی جز این تو قعی نمی توانند داشته باشند.

آئین دیر ینهٔ همه دشمنان خلق چنین است که همواره برای اینکه فاصله ای میان خلق و فر ز ندا ن صدیق خلق ایجاد ودر اذ هان توده‌ها نسبت به رو شنفکران جانباز نقطه های‌سیاه شك وتردید بجا گذا شته باشند چنین نسبت هایی به آنا ن می دهند و به تکرار این ار ا جیف نفرت انگیز می پر دازند.

غافل از اینکه امروز تو ده ها ی ستمکش کشور ما فر یب این‌سخنان بظاهر آراسته و عوام فر یبا نه را نمی‌خورند ورو شنفکر ان وا قعبین همانگونه‌که در مبا رزات عملی‌خویش آگاهی سیاسی را از دست نداده اند به‌مسایل اید یا لو ژیك نیز نقا دانه بر خورد می کنند و همه مسایل را به محك عقل و منطق و معیار های شکست نا پذیر دانش پیشرو می سنجند و حقیقت را از باطل تشخیص مید هند.

یعنی آنانیکه در کشتی ذوق به‌هوای طلب سیر میکنند پیوند خویش را باین جریا نات معقول وپسند یده ، که دستگاه های تبلیغاتی دولت میخوا هند بادگر گون جلوه دادن ماهیت آن افراد این کشور را بر مبارزان راه حق وعدالت بر آشفته سازند ، آشکار ساختند همان بودکه از روز سه شنبه تاساعت ۱۲ ونیم روز یکشنبه میان کوچه ها وخیا بان های شهرکابل‌موج پرجوش وخروش مظاهره‌کنندگان را رهنمایی‌میکردند.

چرا این حامیان ندا های معصوم وحق طلبانه،مبارزان مکاتب‌گوناگون وسایر جوانان روشن بین طی روز های گذشته در کوچه ها وخیابانهای شهر کابل باشعار ها وآواز های مهیج ودرد ناك راه پیمایی کردندو باتوده هادر آمیختند ؟

اصولا رنجبران ، دهقا نان ونیمه رنجبران کشور ماکه در جهنمی‌ترین کوره استبداد دستگاه حاکمه فاسد میسوزند وازابتدایی‌ترین‌حقوق‌زندگی نیزبرخوردار نیستندهرگزنمیتوانند ازرو شنفکران آگاهی که‌علت العلل رنج ها، بدبختی‌ها وسر گردانی‌های ایشان راتوضیح میکنند بی‌نیازباشند وهمچنان جوانان وا قعی وجهش

(درص۳)

یاد بودی ازقیام مسلحانه خلق افغانستان علیه امپر یالیزم انگلیس

پنجاه سال پیش ازاین خلقها ی‌ستمکش افغا نستا ن‌با نبرد قهر ما نانه‌وخونین‌خویش‌زنجیرهای اسارت را درهم شکستند وبزرگترین نیرو ی امپریالیستی‌آن دوران (امپریالیزم انگلیس)رابزانو درآوردند شعلهٔ جا وید که‌خویشتن را وا رث سنن گرا نبهای انقلابی خلق ا فغانستان میدا ند این‌رو ز خجسته را به تو ده های ستم کش ، عناصر پیشرو ومتر قی‌ومیهن پر ستان و اقعی شاد باش می گو ید وایمان عمیق دارد که سرانجام تو ده های زحمتکش کشورما بادرآمیختن‌آزادی سیاسی‌واقتصادی به‌پیروزی خواهند رسید درود گرم برخاطرهٔ قهرمانان سر سپر ده راه‌آزادی .

انجنیر محمدعثمان

باز هم ردهجویات لایعنی

چند شب پیش یکی از کر سی نشینان بزرگ دولت در سخنر انی رادیو یی‌خویش بزعم‌خودروشنفکران محصلین پوهنتون و شا گردان‌مکاتب را پند واندرز داد آنا نرا به نو کر منشی واطاعت کور کو رانه ازقوانین جا برانهٔ تعلیمی و بر نامه های زیانبخش آمو زشی فرا خواند و رو شنفکران واقعبین و فر زند ا ن صدیق خلق را اخلالگر و ما جرا جو نامید.

سرد مدا ران فر هنگ ار تجاعی بر توده های ستمکش که چر خهای سنگین اقتصاد کشور با دستهای پر آبلهٔ آنان به گر دش می آید ، بخا طر اینکه به فر زندان آنهاافتخار شمول در پو هنتون کابل و مکا تب لیلیه بخشیده اند منت می گذا رند. این منتهای پر رو یی است. اینا ن در برابر خوا ستهای معقول ومنطقی شا گر دان مکاتب عدم امکا نا ت‌مالی رابها نه می آورند. جای پر سش جدی است که در صورت‌عدم‌امکانات مالی، کاخ های فلکسای پو هنتو ن، لیلیهٔ پو هنتون،کمپ وزارت معارف و مکتب حبیبیه پلی تخنیک وتخنیک عا لی و دستگا ه های عر یض‌وطویل آ ن و مصا رف بیجا و لخر جی های سر سام آوری که در این‌وزارت وجود دارد محصول کد ا م هز ینهٔ مالی است ؟

اینان که شا گر دان را به داد ن در خوا ست و عر یضه و مفا همه ومباحثه فرا میخوا نند چرا از یاد برده‌اند که در پای در خوا ست های گروهی از مرا جعین چه احکام خلاف تمنیات مرا جعین و چه اوا مر بیداد گرانه ای نوشته اند؟ آیا اینان بخاطر ندارند که بار ها در خوا ست فر زندان خلق را با خون و آ تش پاسخ گفته اند ؟ همین اکنون وضع معارف در سراسر افغا نستان و علی الخصوص در برخی از گو شه های آن بسیار اسف انگیز است . تنها متملقان برده صفت ودروغ پر دا زان جاه طلب می توا نند باور کنند که کشور ما دا رای معارف مترقی و متوازن و منکشف است ویا اصلا وزارت معارف با دستگاه های عریض و طویل خویش در راه خدمت به فر هنگ ملی، در راه رشدخلاقیت علمی، در راه پا یه گذاری فر هنگ واقعاً متوازن گامی بر دا شته است وبر نامه های آمو زشی آن که‌بدست کار شنا سان کشور های‌امپریالیستی تنظیم می گردد برای تخدیر افکار و سودن روح شا گردان نیست و برای بلند بردن سطح دانش ورشد استعداد آنا نست. کر سی نشین بزرگ دو لت ضمن سخنرا نی خود اظهار کرد که«قالمقال» های‌شاگردان برای متخصصین ما مجال نمی دهد تابه حل مشکلات و پرو بلم ها ی معارف دریك فضای آرام بپردازند.

جای دارد بپرسیم که‌این متخصصین

(در پای

تقدیم به شعله جاوید

حمید

پافشاری روی مبارزه کلید

پیروزیست

چرا به اکثریت عظیم مردم افغانستان رنجبران می گویند؟

همان مردمی که حاصل زحمت‌شان صرف عیاشی‌ها و خوشگذرانی های عدهٔ قلیل مفتخوار و گندیده میشود و خود شان با فقر ومسکنت در سیاه چال ها ودخمه ها بسر می برند و به مرگ تدریجی تن در داده‌اند، نیا نند؟!

این ها در کجا بسر می برند؟ پوشاک شان چیست؟ وچه‌میخورند؟

با یك تدبر بسیار مختصر ازوضع عینی زندگی آنها که برای بهره کشان مفتخوار و قلیل خوش آیند نیست، میتوان درك نمود که واقعا توده های شرافتمند مملکت ما همین هاهستنداین ها هستند که به حق می توان آنها را رنجبران و نیمه رنجبران‌خواند.

از مسکن (دخمه های) رنجبران‌آغاز کنیم:

در شهر کابل- در عقب رستوران‌خیبر، یعنی در مراد خانی‌سرای‌هائی وجود دارد که‌بسیار کهنه وفرسوده‌بوده و هر آن بیم سقوط آن میرود وقتی که دریکی از این سرای هاداخل شوی و به چهار سمت نظر اندازی، مشاهده می کنی که چاردر چار ودو منزله اطاق آباد شده است. و بعضا در منزل اول دکان‌بوده واکثراً بوت و چپلی دوزی دایری است در منزل بالائی اتاق‌های متعدد یك‌ لا و دو لا وجود دارد که در آن ما مورین پائین رتبه‌دولت (معلمین، کاتبان، وسر کاتبان) یکان پنبه کر و خیاط و دیگر پیشه‌وران و کار گران زندگی میکنند. بعضا دارای ارسی و پنجره ولی‌اکثراً فاقد آن میباشد. زمینش پر از خاك و نم سقفش از دود سیاه رنگ آمیزی شده و بدون مسطح و دیوار ها یش کاه گل ندارد تنگ و تاریك و خلاصه خفقان آور است.

شاید در هر اطاق سه یا چار نفر معلم وچار تاپنج نفر کاتب‌وسر کاتب وغیره زندگی میکنند. که ما ها نه مبلغ دو صد الی دو صد و پنجاه افغانی کرایه پر داخت میکنند.

اما در منزل اول که بیشتر به مغاره ها شباهت دارد و بصورت اطاق های تاریك و تنگ و طویل‌آباد شده و صرف دارای یك دروازه در آمد می باشد، جوالی هامردکاران (کارگران تعمیراتي) پینه دوزان و مانند آنها کسان دیگر حیات بسر می برند.

این ها از نگاه سن و سال افراد نوبالغ، جوانان، میانه سالان و اشخاص مسن هستند.

در هر اطاق بیش از هشت، ده وحتی دوزاده نفر شب را سحر میکنند.

فرش اطاق بوریا و کرایهٔ اطاق‌در نوسان بوده فی نفر یك تا دوافغانی (برای یك شب) است. این زنده بگور ها که از کلهٔ صبح تا شام کاوکم مصروف زحمت کشی و فر سودن تن ناتوان و علیل‌ومشغول فروش شیرهٔ جان خود در مقابل بیست تا سی افغانی هستند، لباس خودرا از تن دور نمیکنند، لحاف یاشال کهنه دارند که روی خود می‌کشند و سر میگذارند.

از توشك و بالشت خبری‌نیست از بس تحت فشار استبداد قرار دارند وبه‌صبر وقناعت تلقین شده اند و به این راضی هستند که‌لااقل در زیر سقفی می خوابند و لقمه‌نانی میخورند و تن شان مانند مردم عصر حجر نیست.

«باقیدارد»

اسد

-۲-

همزیستی مسالمت آمیز یا نفی

مبارزات آزادی بخش خلقها علیه امپریالسم و استعمار

بادرك این واقعیات تلخ آیا میتوان امید داشت که شعار همزیستی مسالمت آمیز وستراتژی صلح‌اینرا برساند که امپریالیسم آن ببر خونخوار که جنگ را اجباراً برملل ستمدیده تحمیل کرده و برای بهره برداری‌ازنیروی‌انسانی‌وتوسعه‌بازار های‌تجارتی وانحصاری‌در‌اسیا، افریقا وامریکای لاتین که همواره‌در صدد فتنه انگیزی وتلاش اند - اسلحه بر زمین گذاشته وپایگاه‌های‌نظامی خود را در کشور های مختلف منحل سازند؟

ما ازین سازشکاران که امید‌مغشوش ساختن افکار خلق و به اصطلاح مردم ما آب را خت کرده‌ماهی میگیرند در اینجاسوال میکنیم وباید جواب بدهند آری ویانه؟ اگر جواب منفی است پس چرا میگوئید: «امروز قانون عینی وبشردوستانه (انتقال مسالمت امیز) امکاناتی را برای کشور های عقب‌مانده همچو افغانستان برجود آورده که از طریق آن میتوان بصورت (مسالمت آمیز، قانونی، علنی وپارلمانی) اصل صلح واستقلال‌ودیموکراسی ملی وترقی اجتماعی را تامین کرد ......»

اگر جواب مثبت است پس باین گفته خود چه میگنید: «استعمارحاضر نیست حق تعیین سر نوشت را برای ملت پشتونستان ومردمان انگولا وموزنبیق وغیره برسمیت بشناسد». وطن پرستان وعناصر پیشرو متوجه این تناقص گوئی های عمال‌ارتجاع سیاه بوده نمیگذارندسمت جریان مبارزات آزدیخواهی خلقهارا این نقاب داران با اندیشه های زهر آگین خود بطرف گمراهی و به‌نفع عمال استثمار کرخویش منحرف سازند.

تاریخ تکامل جوامع، تاریخ مبارزهٔ طبقاتی است، لذا تا زمانی که سیستم آدمخوار سرمایه داری وملاکی وجود دارد وتا وقتیکه تناقضات وتضادهای‌طبقاتی‌درجوامع موجود است مبارزه طبقاتی ناگزیر موجود است.

خلقهای ستمدیده ورنجبر وتمام عناصر پیشرو بأساس جهان بینی- علمی عصر نوین باین اصل ایمان دارند که هیچ نیروئی بجز خودشان نمیتوانند زنجیر های سیاه استعمار را در هم شکسته وهیچ قدرتی‌بالاتر ازجنبش رهائی بخش‌خلقهاومبارزات طبقاتی نیست‌که‌کابوس‌سیاه‌استعمار از سیارهٔ ما نابود سازد. پیشاهنگ نهضت کارگری ودهقانی میگوید: «سوسیال دیموکرات در بارهٔ جنگ هرگز نظر احساساتی در پیش نگرفته است ومیداند تا آنجا که جامعه به طبقات تقسیم‌شده باشد و تا آنجا که بهره کشی‌انسان از انسان موجودباشد-جنگ ومبارزه اجتناب نا پذیر است این بهره‌کشی نمیتواند بدون جنگ از بین برود وجنگ را درهمه جا خود استثمار گران وطبقات حاکم وستمگر آغاز کرده است.» این دگر مسلم است که امپریالیسم‌هرچه بیشترمذبوحانه مقاومت کند حلقهٔ‌محاصرهٔ آن توسط ستمدیدگان جهان از خارج‌و تضاد وجنبش درونی از داخل تحت فشار وتضیق قرار گرفته وسر انجام به نابودی کامل‌محکوم میگردد‌ومدافعین استعمار نوین هرچه بیشتر استعمار را آرایش کنند وبدان خدمت‌نمایند امپریالیسم واستعمار نمیتوانند از نابودی جبری خود بر کنار بمانند ومرتجعین وطنی هرچه بیشتر تقلا کنند در دامی که خود جلو پای رنجبران نهاده در غلتیده وخود را نابود خواهند ساخت.

سیمای مرتجعین وسازشکاران..

طلبان راستین‌که قلوب ایشان‌آگنده از احساس خدمت به‌خلق‌است‌وجیبه دارند تاباتوده هایکی شوند از ایشان بیاموزندوبدیشان بیاموزند اینست راز همبستگی جوانان پیشرو وتوده که هیچ قدرتی نمیتوانند این دژ شکست ناپذیر را در هم کوبد.

هنگامیکه پیکر فرهنگ پوسیده وفرتوت نیمه‌ملاکی ونیمه استعماری در زیرضربات خرد کننده خشم توفانزای روشنفکران مکاتب یاد شده در بالا میلرزید، دیگر هرجوان پیشرو وآگاه‌احساس میکرد که‌هسته ضد نظام اقتصادی - اجتماعی کهن از درون آن پدیدار گردیده وروز به روز بسوی رشد وشگوفانی میرود فریاد های شور انگیز روشنفکران پیشرو که‌به خاطر رنج های‌بی‌پایان رنجبران کشور شان در آسمان‌کابل طنین انداز میگردید توده محروم شهر یان کابل رابه تحسین واعجاب وامید اشت هر چند سازشکاران مرتجع وکاسه لیسان درگاه اربابان زر در پشت جبهه روشنفکران‌آگاه دست به عملیات تخریبی وخاینانه میزدند وحتی‌گاه بگاه اوباش‌منشانه فرزندان صدیق مردم‌را بجای پولیس مورد ضرب وشتم قرار میدادند ولی آفتاب مبارزات توده ای رنجبران و روشنفکران دیده این خفاشان‌ترسو راکه برای اغوای مردم از تاریکی شبها استفاده میکنند کور کرده‌بود وجرات نداشتند رو بروی توده قرار گیرند اینگونه‌اعمال‌تخریبی وخاینانه ایشان را بازهم رسواتر ساخت وروشنفکران در برابر توده های محروم پرده را از سیمای پلیدطبقات بیداد گرحاکم‌ودستیاران خاین‌ایشان کنار زدند.

دوشیزگان پیشرو ومبارز که خاطره ملالی رادر دل‌ها زنده‌میکردند دوش بدوش برادران همرزم خود بضدبیداد گری‌طبقاتی‌وستم واجحاف مرتجعین شعار میدادند.

بالاخره روز شنبه روشنفکران مترقی به همراهی گروهی‌ازرنجبران بسوی جنگلك‌مارش کردندتادر آنجا باهمزنجیران خود یعنی کارگران جنگلك بپیوندند هرچند در آنجادژخیمان ارتجاع کار گران آگاه‌جنگلك رادر قفس‌ استبداد خویش موقتااسیر کرده بودند باآنهم مبارزان آگاه‌در عقب کار گاه جنگلك بیانیه های‌شور انگیز ایراد و همبستگی پایدار خود راباکار گران آنجا ابراز کردندبعدا در جاده های مختلف شهر کابل با توده های مردم در آمیخته ثبات وپا یمردی خودرابرای مبارزه درراه احقاق حق شان تاکید نمودند آنچه در جریان این مظاهرات قابل توجه ویاد آوری به‌نظر میرسید این بودکه افرادی*از اقشار مختلف خلق یعنی کسانیکه میشود آنان را کشتگان بروکراسی وکاغذ پرانی خواند عرایض بی‌نتیجه‌خودرا برای‌همرزمان خود میخواندند وشعار میدادند که برای حصول حق مردم باید به‌نیروی خود مردم اتکاء کرد نه‌به «عریضه» و«قطعنامه»، هرچنداین «عریضه» ها متوجه با صطلاح (خانه ملت) باشد.

بالاخره ساعت دوازده ونیم روز یکشنبه در حالیکه روشنفکران انقلابی بصورت دستجمعی برای توده ها شعار میدادند:

بدورت گرحصار ازسنگ سازند
رهش‌را چون دل من‌تنگ‌سازند
شکانم قلعه را پیش تو آیم
زخونم گر جهان را رنگ سازند

موقتا پایان‌مظاهرات اعلام گردید.

جیره خوران ارتجاع بی‌شرمانه خودرا به‌صف خلق زده اند

از: درفش

بادرك علم پیشرو كه روشنگرراه مبارزهٔ قهرمانانه ستمكشان علیهٔ ستمگران ونوكران زر خرید شان میباشد، كارگران واقعی میدان بین‌المللی هوایی كابل و محصلین مكتب‌هوا نوردی وهوا شناسی‌كه كه‌وظیفهٔ‌كارگری میدان های هوایی افغانستان رادر آینده به دوش‌دارند دربوته مبارزات شان به‌خوبی‌دریافته اندكه فرق‌راه و چاه كدام است؟ كاركران میدان هوایی‌بین‌المللی كابل وكارگران سایر میدانهای هوایی افغانستان دو شا دوش یكدیگر قرار گرفته همه وقته مبارزات سر سخت رادرمقابل دستگاه‌اداری‌پیش‌گرفته اند.

كارگران وهموطنان گرامی به‌خاطر دارند كه درست هفت سرطان ۱۳۴۶ اعتصاب عمومی كارگران‌میدان هوائی‌كابل‌وقندهار به‌اثر دستبردكه‌در حقوق كارگران میدان كابل و ضرب وشتم‌وحشیانه وددمنشانه كارگران توسط آمر میدان قندهار صورت گرفت،شعلهٔ این‌خشم بنیان‌كن، این‌ندا حق طلبی كارگران روشنفكر تاكرانه‌های شمال مملكت زبانه كشیده كارگران میدان مزار و هرات از این خشم كارگری ونعرش لرزانندهٔ كاخ ارتجاع استقبال خوبی نموده واز هفت سرطان اعتصاب عمومی توأم‌با افشأگری دستگاه اداری‌آغازگردید، اعتصاب سر تاسری كارگران‌میدان های هوایی افغانستان تا ۹سرطان همان سال ادامه داشت . بعد از اعتصاب یكعده‌از اشخاص‌بی‌بندوبار باتلاشهای مذبوحانه ونقشه‌های سالوسانه خودباماسك دروغین‌خلق كه به اصطلاح‌به خاطرهٔ رنجهای بیكران‌خلق های‌ستمدیدهٔ‌افغانستان، مبارزه می‌كنند درصیف مبارزین واقعی خود را جا زدند. این جیره خوران درگاه ارتجاع كه بی‌شرمانه خودرا به‌صف خلق زده ، نقاب حقه به چهره كشیده وبه‌حربهٔ‌خلق‌باخلق نبرد میكنند از چه كسانی عبارتند؟ اجازه بدهید مشتی را نمونهٔ خروار ذكر كنم .

اداره كنندهٔ مكتب هوا شناسی وهوا نوردی میدان بین‌المللی كابل به دستیاری یارانش همه وقته‌دم‌از خلق وخلق دوستی زده و شعار «بخاطر رنجهای بیكران خلقهای ستمدیدهٔ افغانستان » را مانند وثیقهٔ ملی شان به زبان دارند .

ولی آیااین طرفداران خلق‌بگفتار در عمل نیز در صف خلق میاستند؟ خیر به هیچ وجه.چه كسیكه‌چندسال قبل از طرف‌رئیس هوائی ملكی آنوقت بدریافت تعمیر لوكس در كارتهٔ مامورین‌كه قیمت تخمینی آن در حدود بیست لك افغانی است سر فراز شده باشد ، كسیكه در اعتصاب عمومی كارگران میدان هوائی كابل و قندهار وسائر میدانهای هوایی افغانستان مانع حصه گرفتن محصلین مكتب هوا نوردی و هوا شناسی در اعتصابات و احقاق‌حق‌برادران‌كارگر شان می گردد، كسیكه درمظاهرات سه عقرب ثانیه‌به ثانیه با ریاست تماس تیلفونی داشته و همدوش پولیس نوكریوال،دهن‌دروازهٔ‌مكتب به‌غرض ممانعت محصلین از اشتراك در مظاهره از صبح تاشام نوكری میدهد وكسیكه كامیابی محصلین را فقط مربوط به قول برنامه و قرار گرفتن زیر پرچم سیاه خویش قلمداد می كند، می تواند در ردیف خلق جا گیرد ؟؟؟خیر !!! به جز از جیره خوار وزر خرید ارتجاع،سگ خانگی‌وغلام حلقه بگوش باداران داخلی وخارجی‌یعنی‌دستگاه‌فرتوت وپوسیده اداری داخلی، امپریالیسم بین‌المللی به سردمداری امریكا ومدافعین‌استعمار نوین‌چیزی‌دیگری نمی‌تواند باشد .

از این قماش اشخاص هر نقاب‌را كه‌به چهره زنند بگفتار دوست خلق هستند ودر عمل در برابر دشمنان خلق‌دستگاه .ارتجاع داخلی‌به‌كرنش درمی‌آیندو جبین به‌خاك می‌سایند، در صف مقابل خلق‌و توده قرار دارند. چه‌با دشمنان خلق همدست شده ودر كوبیدن خلق دشمنان‌خلق رایاری می‌نمایند، ولی آنها بی‌جهت وقت شانرا تلف می كنند، تلاشهای مذبوحانه ونقشه های سالوسانهٔ دیگر دربین‌كارگران‌وتودهٔ‌افغانستان بازارخودرا از دست داده است این متاع ننگین ازین بیش ارزش خود را باخته است . كارگران میدان های هوائی افغانستان دوش به دوش كارگران رشته های دیگر صنایع ودهقانان مملكت در شناسانی این عناصر دورویه و نقاب پوش‌دست همت باكمرزده وبانیروی رزمنده ونیروی‌واقعاً پیشرو مترقی‌كارگری همه‌وقته‌نقاب پوشان را افشا ساخته وچون امواج خشمگین موج به موج پیش رفته، عناصر دو پوسته‌رابه عقب رانده وبر اندرز های ریاكارانه شان خط بطلان كشیده اند .

كارگران میدان های هوائی افغانستان یقین دارند كه دشمنان خلق یعنی استثمار گران داخلی وخارجی، مرتجعین‌داخلی‌وخارجی، مدافعین استعمار نوین (دشمنان واقعی ودوستان ظاهری خلق) روز به روز پژمرده تر گردیده وما، یعنی كارگران، دهقانان، زحمتكشان ، روز بروز شاداب تر میگردیم.

كارگران میدان های هوائی افغانستان به اینگونه عناصر ضد خلقیكه باسلاح خلق باخلق میجنگند اخطار می‌كنند كه از پیكاربا خلق جداً خود داری كنند چه فقط خشم رزمنده و طوفانزای خلق، این دشمنان دوست نما را با دیگر یاران شان در شایسته ترین جایگاه شان یعنی زباله‌دان تاریخ خواهندریخت.

كارگران! دهقانان! زحمتكشان! باكارگران میدانهای هوائی سراسر افغانستان هم آوازشده‌خشم‌كارگری راكه بنیان كن جامعهٔ كهن وایجادگر جامعهٔ نوین است درسطور زیرین كه از طرف سرسپردگان راه آزادی بیان گردیده است یكباردیگر به‌این خلق نماهای ظاهری‌وددمنشان واقعی‌جداً اخطار كنیم .

«بگذار كاسه لیسان درگاه اربابان‌زر هرچه از چرندیات خنده‌آور وهجویات لا یعنی در چنته‌های مغز خویش دارند چون شعبده بازان بازاری در انظار همه‌گان بریزند تا علم دیگرگونی عمیق رنجبران در مبارزه با اینگونه پندار های پوچ راه خویش را خوبتر وبیشتر درصفوف رنجبران‌ومتحدین آن باز نموده وگنجینهٔ دانش‌پیشرو رابیش از پیش غنی نمایند »

سرود روستا

«واصف» باختری

برین بارهٔ بلند
برین تكد رخت پیر
برین شاخه های خشك
چه مرغان شب نورد
كه بستند آشیان
درین دشت سار ها
چه شبهای نیمرنگ
كه پیچیده تاسحر
نوای نی شبان

• • • •

درین كهنه روستا
درین جلوه گاه غم
درین چشمه سار رنج
چه برزیگران پیر
چه دوشیز گان مست
چه پویشگران رزم
كه ازیاد رفته اند
كه ناكام مرده اند
كه خاموش خفته اند
زارباب بهره كش
زدارای از منه
ستم هاكشیده اند
دراین كشتزار ها
چه مردان رزمجو
كه درخون تپیده اند
چه دلهای پر تپش
كه‌آگنده از امید
به‌خاك آرمیده اند

• • • •

چو خورشید رستخیز
كند جلوه درافق
چو این كهنه روستا
شود پایگاه خلق
چوزین‌كهنه‌روستا
برآید سپاه‌خلق
ازین جلوه گاه غم
ازین چشمه سار رنج
پدید آیدآتشی
شتابان چو آذرخش
درخشان چوآفتاب
به توفندگی چو میغ
به تابندگی چو تیغ
بسوزد بنای جور
فروزد شرار رزم
فرازد درفش سرخ
كشاورز روستا
به‌پیگرد رنجبر
نبرد آزما شود
دو سیلاب پیشتاز
هم آهنگ و همنورد
هم آواز وهم نبرد
یكی‌پتك آهنین
بدست از پی ستیز
یكی تیغ جو هرین
بكف بهر رستخیز
ازین غول پا گلین
نماند نشانه ای
وزین ببر كاغذی
به كهنا مهٔجهان
بماند فسانه ای

زموږ اوسنی اقتصاد چه‌دولتی

سكتور په نامه یادیږی　　　　-٤-

لەدی كبله دریم پلان دیوی خوا هغه نیمه استعماری او نیمه ملاكی خاصیت لاپسی ډیروی‌اوله‌بلی خوا خصوصی سرمایه گذاری قصداًهغې خانگې ته‌بیول‌شوی‌دی چه‌داستهلاكی خارجی شیانو واردول دهغه دماتی او ورشكستگی سبب گرځی خكه ملی تاجر كله كولای شی چه كهنه كار و امپریالیستی‌او دنوی استعمار مدافعینو انحصاراتو سره رقابت وكړی .

پورتنی تحلیل په ښه توگه ښی چه داقتصاد ددولتی سكتور تقویت زموږ اړوالی وامپریالیزم او نوی استعمار مدافعینو ته لاهم زیاتوی او دټولو رنجبرو، نیمه رنجبرو او بزگرانو دفقر ، بیكاری، ناپوهی او ناروغی اصلی علت دی ... كه چه سیاست داقتصاد لنډ بیان دی نوله دی كبله دهر هغه اقتصادی تحول‌چه داصلی مولدینو په گټه وی یواځی دزور سیاسی تحول له لاری امكان لری او بس .

پای

اعتصاب کارگران رزمجوی مطابع دولتی

خبرنگار ما گزارش میدهد که بروز پنجم جوزا کارگران مطابع دولتی کابل دست به اعتصاب زدند.
خواسته های آنان بیمه صحی، افزایش معاش، وسیلهٔ نقلیه، کوپون، مساله تقاعد کارگران، لباس کار، استفاده از تعطیل بعد از ساعت دوازده روز پنجشنبه و رخصتی بعداز ساعت چهار و نیم در دیگر روزهای هفته بوده است این اعتصاب در اثر مداخله بعضی عناصر مخرب باعث خشونت بیشتر کارگران رافراهم آورده وبعد از خطابه ها دست به مظاهره زدند واز محوطه فابریکه خارج شدند، پولیس و ژاندارم ارتجاع کارگران رامحاصره نمود. اما این عمل هم نتوانست ازتصمیم رزمجویانه کارگران جلوگیری کند. اما اخیراً ارتجاع دست بحیله گری زده و با وعده ها از حرکت کارگران جانب شهر جلوگرفت، کارگران با ارادهٔ رزمجو و تصمیم شکست نا پذیر انتظار این وعده نزدیک را می کشند.

شعله جاوید که از زندگانی رنجبارو پر مرارت کارگران مطابع آگاه است وبخوبی میداند که بسیاری ازایشان بنابر شرایط سنگین کار به بیماری ها گرفتار می شوند خواستهای منطقی کارگران آگاه مطبعه دولتی را تائید میکند ویقین دارد که آنان با همبستگی و تحکیم اتحاد خویش بر دشمنان طبقاتی خود چیره خواهند شد.

نامه کارگران

فابریکهٔ قیر ریزی بناروالی

کارکنان جریدهٔ شعلهٔ جاوید!

چون جریدهٔ شعلهٔ جاوید را انعکاس دهندهٔ آرمانهای خویش میدانیم بوسیلهٔ این نوشته یکعده از خواستهای خود را بشما ارسال داشتیم تادر شعلهٔ جاوید درج گردد:

١ـ با لارفتن سرسام آور قیمت‌ها ونداشتن کوپون زندگی ما وخانواده های ما را به بدترین صورت تهدید می کند.

٢ـ در اثر شرایط ناگوار محیط کار به بیماریها و علالت ها گرفتار هستیم ولی ازبیمهٔ صحی و داکتور مؤظف اثری نیست.

٣ـ از مفاد مبلغیکه بنام ذخیره از معاش ناچیز ما وضع می گردد حق استفاده نداریم.

٤ـ باید روز های پنجشنبه برای رفع خستگی های یکهفته و تجدید قوا برای بدست آوردن نان بخور نمیر در هفتهٔ آینده، رخصت باشیم.

٥ـ معاش ما به اندازهٔ ناچیز است که چند روز زندگی مرگبار وا حتیاجات اولیهٔ مارا تامین کرده نمی تواند.

٦ ـ از نداشتن لباس کار دچار تکالیف زیادی می باشیم.

این نکته رانیز شایسته یاد آوری میدانیم که یکی از کارفرمایان باما بصورت بسیار بیدادگرانه ومغایر کرامت انسانی پیش آمدمیکند وازجانب دیگر از تیل ودیگر مواد استفادهٔ سوء بعمل می آرد.

شعلهٔ جاوید: مطالبات کارگران فابریکهٔ قیر ریزی بناروالی را بجامیداند وبه ایشان نوید میدهد که اکنون طوفان مبارزات زحمتکشان به سطحی رسیده است که مرتجعین وکار فرمایان بیدادگر نمی توانند حقوق حقهٔ کارگران رابابازی بگیرند.

پیکار قهرمانانه زحمتکشان فرانسه

اعتصاب عمومی کارگران فرانسه علیه سیستم منفور سرمایه داری. بدومین هفته خویش واردشد. در اوایل این هفته تعداد کارگران که به اعتصاب عمومی ونامحدود پیوسته بودند، بیش از ده ملیون نفربود، یعنی ازهرپنج نفر فرانسوی یک نفرشان درشمار اعتصاب کنندگان می‌آمد. تمام صنایع مواصلات ومخابرات، خطوط هوائی، معادن و بنادر فرانسه درحال رکود بسرمی‌برد. کارگران دربیش از دوصد کارخانه ومعدن قدرت را بدست گرفته‌اند. محصلین قهرمان فرانسه به مظاهرات ومبارزات خود دوش‌بدوش همرزمان کارگر خویش ادامه می‌دهند. دولت ارتجاعی فرانسه‌در بیست وسوم مه (سوم جوزا) تشکیل اجتماعات ومظاهرات را منع قرار داد، ولی محصلین وکارگران قهرمان شهر پاریس ازبیست‌وسوم تا بیست وپنجم (سوم تا پنجم جوزا) به تظاهرات مسلسل دست‌زده وچندین بار باپولیس مخصوص سرکوبی مظاهرات، زدوخوردکردند. همچنان کارگران ومحصلین سایر شهرهای فرانسه نیز با سرمشق‌گرفتن از همرزمان پاریسی خود، بمبارزات ومظاهرات خویش ادامه‌میدهند. درجریان این مبارزات عظیم قیافهٔ خیانت پیشهٔ سازشکاران معاصر، این زخم چرکین در بدن طبقهٔ کارگر فرانسه بخوبی رسوا گشت. این خائنین باسوء استفاده ازنفوذ که درمیان برخی ازاتحادیه‌های کارگری داشتند. کارگران رااز شرکت درمظاهرات. محصلین‌پاریس بازداشتند، ولی باوجود آن‌روز بیست وپنجم مه (پنجم جوزا) ده هاهزارکارگر به اتفاق محصلین‌پاریس دست بمظاهرات عظیمی زدند سردمداران سازشکار، این گدی های کوکی میخواهند باتوسل بهروسیلهٔ بادولت ارتجاعی فرانسه ازدرسازش پیش آمده وموج طوفانی پیکارکنونی‌خلق فرانسه را فرو کش بخشند.

درین هفته، درلندن، مظاهرات‌ازطرف محصلین پیشرو وکارگران آگاه در پشتیبانی از مبارزات خلق‌فرانسه صورت گرفت. هم چنان در استکهلم نیز محصلین پیشرو در پشتیبانی از مبارزات خلق فرانسه علیه سیستم فرتوت سرمایه داری‌انحصاری، مظاهرات‌پرشکوهی‌ترتیب دادند.

تمام خلق های ستمکش، آنهائیکه‌درزیر فشار واسارت سیستم های سرمایه داری وملاکی قرار دارند بخلق مبارز فرانسه که صاحب سنن پر افتخار انقلابی اند، درودگرم وآتشین می فرستند.

خبرنگار ما اطلاع میدهد که‌بروز سه شنبه ٧جوزا موتر رانهای ترانسپورت انحصارات دربرابر عمارات ریاست انحصارات دست‌به اعتصاب زده بودند خواسته های آنها عبارت بود از:

(١) افزودی معاشات.

(٢) باید درروزهای که‌موترهای آنها درائر نبودن کاری متوقف می باشد برایشان نیز معاش داده شود.

(٣) باید تفاوتی بین معاش موتر رانهای که موتر های ده تیره وچهارتیره رامی‌رانند وجود داشته باشد.

شعله جاوید: خواسته های موترورانهای ترانسپورت‌انحصارات‌را تائید نموده وعقیده دارد که آنان میتوانند باهمبستگی واتحاد حقوق خویش را از آمرین ستمگر بدست آرند.

بادرک این واقعیت که حقوق خویش را نمی توان از راه زاری و عریضه بازی بدست آورد، کارگران، مطبعه معارف روز چهارشنبه ٨ جوزا دست به‌اعتصاب زدند، خواسته های آنها مانند سایر کارگران دیگر فابریکات می باشد شعله جاوید با تائید اعتصاب کارگران مذکور، عقیده دارد که‌تمام کارگران افغانستان با همبستگی واتحاد نزدیک‌میتوانند شاهدپیروزی اقتصادی وسیاسی را به آغوش کشند.

بر اساس‌گزارش خبرنگارماروز شنبه چهار جوزا روزیکه شعارهای نبرد انگیز روشنفکران پیشرو در فضای کابل طنین افگنده بود، کارگران آگاه خانه سازی دست به مظاهره زدند، مقامات مسئول تاکنون به مطالبات منطقی ومستدل آنان پاسخ مقنعی نداده اند.

باز هم ردهجویات لایعنی

درطی نیم قرن گذشته تاچه اندازه‌بحل پروبلم های معارف پرداخته‌واز دشواریهای امور فرهنگی کاسته اند که در چند روز در بر آورده‌شدن این ماًمول پیروزی یابند شخصیت ها و محافل ارتجاعی وابسته به طبقهٔ حاکمه میخواهند پدران و خانواده های شاگردان‌راعلیه آنان بر انگیخته سازند و روشنفکران میهن پرست وخواستاران تحولات عمیق و بنیادی‌را نسبت به مبادی اخلاق ومعتقدات بی اعتنا نشان دهند ولی خوشبختانه‌پدران وخانواده های شاگردان‌اکنون‌بدرستی درک کرده اند که این آئین دیرین طبقهٔ حاکمهٔ بیدادگر است که‌خود عملا به این مبادی بی اعتنااست‌وهمواره خواسته است فرزندان برومندمردم را ناجوانمردانه با این‌حربه از پا در آورد. توده های‌ستمکش کشور ما، روشنفکران مترقی و پیشرو کشور ما و همه‌آرزومندان سربلندی و آزادی‌واقعی افغانستان اکنون راه خویش را یافته اند و آگاهانه در این راه‌پیش می روند. پس از این‌باهیچگونه‌وعده ووعید، با هیچگونه تخدیر وتحمیق، با هیچگونه سالوسی‌وریانمی توان از رشد اندیشه های‌تازه جویی روشنفکران پیشرو جلوگیری کرد. سردمداران فرهنگ ارتجاعی این آرزو راباخودبگور خواهند برد.

صاحب امتیاز و مدیر مسئول
داکتر رحیم (محمودی)
آدرس حصه اول جاده میوند
حساب در پښتنی تجارتی بانک (٧٢٧٤)
هر پنجشنبه نشر میشود
قیمت هر شماره در سراسر افغانستان دوافغانی
حق‌الاشتراك
مرکز ١٠٠ افغانی
ولایات ١١٠ »
خارج ١٠ دالر